
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۳

آیه ۸۸-۸۹

آیه و ترجمه

قال الملا الذين استكبروا من قومه لنخرجنك يشعيب و الذين امنوا معك من قريتنا او لتعودن في ملتنا قال ا و لو كنا كرهين ۸۸
 قد افترينا على الله كذبا ان عدنا في ملتكم بعد اذ نجئنا الله منها و مايكون لنا ان نعود فيها الا ان يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق و انت خير الفتحين ۸۹

ترجمه :

۸۸ - اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: ای شعیب سوگند یاد می کنیم که تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند از شهر و آبادی خود بیرون خواهیم کرد یا به آئین ما باز گردید، گفتند: آیا (می خواهید ما را باز گردانید) اگر چه مایل نباشیم؟!

۸۹ - اگر ما به آئین شما باز گردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته ایم، و شایسته نیست که ما به آن باز گردیم مگر اینکه خدائی که پروردگار ماست بخواهد، علم پروردگار ما به همه چیز احاطه دارد، تنها بر خدا توکل کرده ایم، پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.

تفسیر :

در این آیات عکس العمل قوم شعیب در برابر سخنان منطقی این پیامبر بزرگ بیان شده است، و از آنجا که اشراف متکبر و مغرور زمان او، از نظر

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۴

ظاهر بسیار نیرومند بودند، عکس العمل آنها نیز شدیدتر از دیگران بود آنها نیز مانند همه متکبران مغرور، روی زور و قدرت خویش تکیه کرده، به تهدید شعیب و یارانش پرداختند، چنانکه قرآن می گوید اشراف زورمند و متکبر قوم شعیب به او گفتند سوگند یاد می کنیم که قطعاً هم خودت و هم کسانی را

که به تو ایمان آورده‌اند، از محیط خود بیرون خواهیم راند، مگر اینکه هر چه زودتر به آئین ما بازگردید. (قال الملا الذین استکبروا من قومه لئلا یخرجنک یا شعیب و الذین آمنوا معک من قریتنا او لتعودن فی ملتنا).

ممکن است، از ظاهر این تعبیر (بازگشت به آئین ما) بعضی چنین تصور کنند که شعیب قبلاً در صف بتپرستان بود، در حالی که چنین نیست، بلکه چون شعیب قبلاً ماموریت تبلیغ نداشته و در برابر وضع آنها سکوت می‌کرد، آنها چنین پنداشته‌اند که پیرو آئین بت پرستی است، در حالی که هیچیک از پیامبران بت پرست نبوده‌اند، حتی قبل از زمان نبوت، عقل و درایت پیامبران بیش از این است که دست به چنین کار نابخردانه‌ای بزنند، و به علاوه روی سخن تنها به شعیب نبوده بلکه مومنان و پیروان او را نیز شامل می‌گردد و ممکن است این تعبیر به خاطر آنها باشد.

البته تهدید مخالفان تنها همین نبوده است، تهدیدهای دیگری نیز داشته‌اند که در سایر آیات مربوط به شعیب بحث خواهد شد.

پاسخی که شعیب در برابر این همه تهدید و خشونت به آنها داد خیلی ساده و ملایم و منطقی بود، گفت: «آیا می‌خواهید ما را به آئین خودتان بازگردانید، اگر چه ما یل نباشیم» (قال ا و لو کنا کارهین).

در حقیقت شعیب می‌خواهد بگوید: «آیا سزاوار است شما عقیده خود را

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۵

بر ما تحمیل کنید و آئینی که فساد و بطلان آن بر ما آشکار شده است بازور به ما بقبولانید، به علاوه یک آئین تحمیلی چه سودی برای شما دارد؟! در آیه بعد شعیب چنین ادامه می‌دهد: «اگر ما به آئین بت پرستی شما باز گردیم، و بعد از آنکه خدا ما را نجات داده خود را به این پرتگاه بی‌فکنیم، بر - خدا افترا بسته‌ایم» (قد افترینا علی الله کذباً ان عدنافی ملتکم بعد اذ نجانا الله منها).

این جمله در حقیقت توضیح جمله‌های است که در آیه قبل به طور سربسته از زبان شعیب گفته شده بود، و مفهومی این است که ما از روی هوی و هوس و یا تقلید کورکورانه پشت پا به آئین بت پرستی نزده‌ایم، بلکه بطلان این عقیده را بروشنی دریافته‌ایم، و فرمان خدا را در زمینه توحید با گوش جان شنیده‌ایم، با این حال اگر از آئین توحید به شرک بازگردیم، آگاهانه بر خدا دروغ

بسته‌ایم، و مسلم است خداوند ما رامجازات خواهد کرد. سپس اضافه می‌کند ممکن نیست ما به آئین شما بازگردیم مگر اینکه خدا بخواهد (و ما یکون لنا ان نعود فیها الا ان یشاء الله ربنا). منظور شعیب در حقیقت این است که ما تابع فرمان خدا هستیم و کمترین سرپیچی از دستور او نداریم، بازگشت ما به هیچوجه ممکن نیست، مگر اینکه خداوند دستور بازگشت بدهد. و بلافاصله اضافه می‌کند که خداوند نیز چنین دستوری نخواهد داد، چرا که او از همه چیز آگاه است و به همه چیز احاطه علمی دارد بنابراین هرگز ممکن نیست او از دستوری که داده باز گردد، زیرا کسی از دستورش برمی‌گردد، که علمش محدود باشد و اشتباه کند و از دستور خود پشیمان گردد، اما آنکس که احاطه علمی به همه چیز دارد، تجدیدنظر برای او ممکن نیست (وسع ربنا کل شیء علما).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۶

سپس برای اینکه به آنها حالی کند از تهدیدهایشان هراسی ندارد و محکم بر جای خود ایستاده است، می‌گوید: توکل و تکیه ما تنها به خداست (علی الله توکلنا). و سرانجام برای اینکه حسن نیت خود را ثابت کند، و چهره حقیقت‌طلبی و مسالمت‌جوئی خویش را آشکار سازد، تا دشمنانش او را متهم به ماجراجوئی و غوغا طلبی نکنند، می‌گوید «پروردگارا میان ما و جمعیت ما به حق حکم و داوری کن، و مشکلات و گرفتاریهای ما را برطرف ساز، و درهای رحمت را به سوی ما بگشا که بهترین گشایندگانی» (ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین). از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: من معنی فتح را در آیه فوق نمی‌دانستم، تا اینکه شنیدم زنی به شوهر خود می‌گفت افاتحک بالقاضی یعنی ترا به داوری پیش قاضی می‌طلبم، فهمیدم فتح در اینگونه موارد به معنی داوری و حکومت است، (زیرا قاضی مشکل کارطرفین دعوا را می‌گشاید).